

انتخابات حزب‌محور؛ از رویا تا واقعیت

فرهیختگان| این روزها دستورکار اصلی مجمع تشخیص مصلحت

نظام تدوین، بررسی و تصویب سیاست‌های کلی انتخابات است و بر این اساس در جلسه هفته گذشته این نهاد، سه بند دیگر از این سیاست‌ها به تصویب رسید. در میان سیاست‌های کلی انتخابات که به‌تازگی تصویب شده است، بند دهم به «تسهیل و ارتقای سطح مشارکت احزاب و تشککل‌های سیاسی قانونی» اختصاص یافته است. مطابق این مصوبه هدف از تسهیل و ارتقای مشارکت انتخاباتی احزاب چنین معرفی شده است:

- معرفی افراد شایسته در تراز جمهوری اسلامی ایران و در چارچوب صلاحیت‌های قانونی
- مطالبه رقابت سالم انتخاباتی داوطلبان مورد حمایت در جهت افزایش مشارکت و حضور با نشاط مردم
- مسئولیت‌پذیری و قانون‌مداری و رعایت قواعد و مقررات فعالیت سیاسی توسط اعضا، طرفداران و داوطلبان و پذیرش نتیجه قانونی و نهایی انتخابات
- حمایت از تشکیل اجتماعات و همایش‌های انتخاباتی و استفاده مناسب و عادلانه از امکانات دولتی و عمومی در تبلیغات توسط احزاب
- پذیرش حق دفاع احزاب از حقوق داوطلبان، اعضا و طرفداران در مراجع قانونی
- مسئولیت‌پذیری برای پشتیبانی‌های تخصصی و حفظ و ارتقای شایستگی‌های نمایندگان در طول دوران خدمت.»

پشتیبانی احزاب از نامزدها لازمه تحقق برنامه‌ها

فلسفه شکل‌گیری احزاب دو چیز است که نخستین آن همراه کردن افکار عمومی جامعه در راستای اهدافی است که آن حزب دنبال می‌کند. در توضیح بیشتر این مورد باید گفت از جایی که هر حزب که تشکیل می‌شود، موسسان آن بر این باور هستند که افکار و برنامه‌های آنان برای اداره کشور بهترین است، باید این افکار و برنامه‌ها را برای مردم تشریح کنند و در میدان عمل نشان دهند چقدر در برابر احزاب دیگر کارآمدتر و قوی‌ترند. دومین دلیل شکل‌گیری احزاب حمایت، پشتیبانی و پیگیری برنامه‌ها و شعارهایی است که وعده تحقق آن را داده‌اند و این مهم به دست نمی‌آید مگر آنکه احزاب از نامزدهای خود چه در زمان انتخابات و چه بعد از آن حمایت و پشتیبانی کنند. به عبارت دیگر، وقتی احزاب فرد یا افرادی را برای انتخابات مجلس، ریاست‌جمهوری، خبرگان رهبری یا هر انتخابات دیگری معرفی می‌کنند موظف است در مراحل مختلف از آنان در عرصه عمومی حمایت کند. به‌عنوان نمونه اگر داوطلبان مورد تایید آنان از سوی شورای نگهبان درصلاحیت شدن یا مانع حضور آنان در رقابت‌ها شدند، حزب موظف است در چارچوب قانون از نامزدهای خود دفاع کند. این روند باید بعد از انتخابات و زمانی که نامزدهای یک حزب به مجلس، قوه مجریه یا شورای شهر راه یافتند، نیز ادامه پیدا کند؛ یعنی پشتیبانی احزاب از نامزدها نباید محدود به زمان انتخابات باشد بلکه باید بعد از انتخابات نیز حمایت‌ها ادامه داشته باشد تا نمایندگان آنان که به نهادهای حکومتی راه یافته‌اند برای تحقق شعارها و وعده‌های داده شده از پشتیبانی برخوردار باشند. متأسفانه امکان پشتیبانی احزاب از نامزدهایشان در کشور چندان وجود ندارد و در مقایسه با کشورهای دیگر حتی همسایگان خود در این زمینه بسیار عقب هستیم. اولاً در جامعه ما برخی برای فعالیت احزاب ارزشی قائل نمی‌شوند و احزاب به دو دسته خودی و غیرخودی تقسیم می‌شوند. همچنین احزاب نیز فعالیت‌هایشان محدود به زمان انتخابات است و بعد از انتخابات همه چیز فراموش می‌شود. همانقدر که احزاب قادر به دفاع از نمایندگان خود نیستند و نمی‌توانند از آنان برای تحقق برنامه‌های خود پشتیبانی کنند، هیچ حزبی هم پس از پایان دوره دور کار بودنش مسئولیت اقدامات و عملکرد نمایندگان خود را برعهده نمی‌گیرد که مجموعه این عوامل باعث بی‌اعتمادی در جامعه شده است.

توانمندسازی مجالس آینده

مجموعه سیاست‌هایی که اکنون در مجمع تشخیص مصلحت نظام با عنوان سیاست‌های کلی در حال بررسی، تدوین و تصویب می‌شود تا تبدیل شدن به قانون راه درازی در پیش دارد؛ این سیاست‌ها، ابتدا باید به تایید مقام معظم رهبری برسد، سپس ایشان آنها را به قوای سه‌گانه ابلاغ کنند؛ آنگاه دولت یا نمایندگان پارلمان باید براساس سیاست‌های کلی انتخابات، لایحه یا طرح تدوین و به مجلس شورای اسلامی تقدیم کنند

اصلاح قانون احزاب، تسهیل‌کننده فعالیت‌ها

یکی از لوازم تحقق جمهوریت نظام، نهاده‌شدن فرهنگ تحزب در کشور است که متأسفانه تاکنون این فرهنگ در کشور آن‌طور که باید نهاده‌نی نشده است؛ به همین دلیل است که احزاب در زمان انتخابات نمی‌توانند آن‌گونه که باید اثرگذار باشند و بعد از انتخابات نیز فعالیت‌هایشان به محاق می‌رود. در وضع کنونی حتی اگر احزاب توانسته باشند نامزد یا نامزدهای خود را وارد نهادهای حکومتی کنند تضمینی برای برآورده کردن شعارها و وعده‌های خود ندارند.

قانون احزابی که اکنون به‌عنوان قانون مرجع برای فعالیت احزاب به آن مراجعه می‌شود، قانون ناقصی است که خود موجب کم شدن فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی شده است؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین راهکارهایی که برای تسهیل حضور احزاب در انتخابات وجود دارد، اصلاح قانون احزاب است. این روزها که به نظر می‌رسد اهمیت بیشتری به فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی داده می‌شود دولت و مجلس شورای اسلامی با همکاری و تعامل با یکدیگر در حال اصلاح قانون احزاب و برطرف کردن نقایص آن هستند که امید می‌رود با قانون جدید نحوه فعالیت احزاب شفاف شود و موانعی که اکنون برای فعالیت آنان وجود دارد به درستی برطرف شود. احزاب باید تعریف جدیدی در قانون داشته باشند و کسانی بتوانند تشکیل حزب دهند که لوازم و شرایط آن را داشته باشند؛ به عبارت دیگر نباید این‌گونه باشد که هر کسی که تصمیم گرفت بدون اینکه لوازم و شرایط تشکیل حزب را داشته باشد به وی مجوز فعالیت و تشکیل حزب داده شود. علت اینکه اکنون بیش از ۲۵۰ حزب در کشور وجود دارد که اکثریت آنها هیچ فعالیتی ندارند، همین نقص قانون احزاب است. در قانون برای تشکیل حزب باید ضوابطی گذاشته شود، مثلاً تنها به فعال بودن در زمان انتخابات اکتفا نشود و از احزاب در طول سال فعالیت خواسته شود و این یکی از شرایط مهمی است که باید برای اعطای مجوز به احزاب در نظر گرفته شود تا درنهایت منجر به تشکیل احزاب قوی و با برنامه شود که در موقعیت‌های مختلف به‌ویژه زمان انتخابات کارایی واقعی خود را خواهند داشت.

بنابراین در صورتی که قانون احزاب اصلاح شود و کسانی که دور هم جمع می‌شوند و حزب تشکیل می‌دهند با ظرفیت کامل وارد صحنه شوند، احزاب می‌توانند در انتخابات موثر باشند. شرط اثرگذاری احزاب در کشور وجود دست‌کم چند حزب قوی است. وقتی صحبت از حزب قوی می‌کنیم منظور این است که حداقل سه مشخصه داشته باشد: یکی اینکه مبانی ایدئولوژیک آنها کاملاً مشخص باشد و آنها را برای مردم توضیح دهند، دوم برای اداره کشور برنامه‌ریزی داشته باشند و سوم اینکه کادرسازی کرده باشند که با فرض پیروزی در انتخابات بتوانند از مدیران تربیت‌شده خود استفاده کنند.

انتخابات حزب‌محور؛ از رویا تا واقعیت



هزینه‌زدایی از فعالیت حزبی

نظام انتخابات بدون نظام حزبی نظامی ابتر و ناقص خواهد بود؛ زیرا احزاب باید بتوانند انتخابات را به مسیر درست خود ببرند و مشارکت مردمی را سامان دهند. احزاب می‌توانند مطالبات مردم را کاتالیزه کرده و سامان دهند و در مسیر درستی هدایت کنند که تجلی این کار در برنامه‌ها و رقابت‌های انتخاباتی است؛ بنابراین احزاب در برقراری رقابت‌ها و افزایش سطح مشارکت مردم در انتخابات بسیار موثرند البته به شرطی که به آنها اجازه داده شود که بتوانند به صورت آزادانه فعالیت کنند. در توضیح اینکه چرا اکنون احزاب نمی‌توانند به‌صورت مناسب فعالیت کنند، باید ابتدا به این نکته اشاره کرد که متأسفانه فرهنگ کار حزبی در کشو ما چندان پا نگرفته است

و بسیاری هنوز به فعالیت حزبی نه‌تنها به‌عنوان یک ارزش نگاه نمی‌کنند، که برای آنان یک ضدارزش محسوب می‌شود. با وجود باوری که در قانون اساسی و همچنین در ذهن تصویب‌کنندگان آن درباره اهمیت تحزب وجود داشت، این دیدگاه در ساختار سیاسی و اداری کشور همچنین بین مسئولان چندان شکل نگرفته است. گرچه ما تحزب را در نظام سیاسی برآمده از قانون اساسی پذیرفته‌ایم، با آن به درستی رفتار نکردیم و نسبت به احزاب بی‌مهری بسیاری روا داشتیم. برای نمونه در برنامه‌های توسعه توجهی جدی به احزاب نشده است و می‌توان گفت تحزب معقول مانده است و هیچ‌گاه تحزب، کار حزبی و تقویت فعالیت‌های حزبی به‌عنوان یک برنامه اصلی در برنامه‌ریزی‌ها مدنظر قرار نگرفته است. به دلیل همین بی‌توجهی‌هاست که اکنون عضویت در حزب هزینه‌بر شده است و کسی می‌خواهد فعالیت کند ترجیح می‌دهد بگوید من عضو هیچ حزبی نیستم؛ در حالی که این روند باید معکوس باشد. متأسفانه در کشور ما به‌گونه‌ای برخورد شده که اگر کسی بگوید من عضو حزبی نیستم از فضیلت برخوردار است و به کسی که به کار حزبی اعتقاد دارد با سوءظن به او نگاه می‌شود. عضویت در احزاب باید به‌عنوان یک امتیاز مثبت تلقی شود نه امتیاز منفی تا موجب شود کسی به سمت فعالیت‌های حزبی نرود. اکنون به دلیل اینکه کار حزبی هزینه‌بر شده است کمتر کسی برای فعالیت‌های حزبی قدم برمی‌دارد و نتیجه این می‌شود که رفته‌رفته این فضا دچار فقر نیروهای فعال و اثرگذار خواهد شد؛ بنابراین در اولین قدم باید این نگرش و باور در افکار عمومی و بین مسئولان اصلاح شود تا برای کار حزبی رغبت به وجود آید.

مجلسی قدرتمند، قابل دفاع، توانمند و پاسخگو خواهد بود؛ چراکه در صورت افزایش نقش آفرینی احزاب در انتخابات و راهیابی نامزدهای حزبی به مجلس، آنان از پشتیبانی تشکیلاتی، اطلاع‌رسانی و آموزشی احزاب متبوع خود برخوردار خواهند بود و در مقابل آن در برابر احزاب پاسخگو هم می‌شوند و می‌دانند که در صورت تکروی حمایت حزبی خود را از دست می‌دهند، خود کار می‌کنند و آموزش می‌دهند.

مجلسی قدرتمند، قابل دفاع، توانمند و پاسخگو خواهد بود؛ چراکه در صورت افزایش نقش آفرینی احزاب در انتخابات و راهیابی نامزدهای حزبی به مجلس، آنان از پشتیبانی تشکیلاتی، اطلاع‌رسانی و آموزشی احزاب متبوع خود برخوردار خواهند بود و در مقابل آن در برابر احزاب پاسخگو هم می‌شوند و می‌دانند که در صورت تکروی حمایت حزبی خود را از دست می‌دهند، خود کار می‌کنند و آموزش می‌دهند.

جرم سیاسی هرچه زودتر تعریف شود

برای اینکه احزاب بتوانند در زمان انتخابات به‌سادگی فعالیت کنند و همچنین میل و رغبت نیز در بین گروه‌ها و جریان‌های سیاسی برای حضور در انتخابات وجود باشد باید اقداماتی صورت گیرد که هر کدام از این اقدامات که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد تاثیر بسزایی در تسهیل حضور احزاب در انتخابات و همچنین به وجود آمدن رقابت سالم بین نامزدهای انتخاباتی خواهد داشت. در گام اول حاکمیت باید احزاب و گروه‌های سیاسی را در چارچوب و جایگاهی که قانون اساسی برای آنان در نظر گرفته شده است ببیند و محدودیتی در این زمینه برای آنان ایجاد نکند. مسئولان باید احزاب را مشاور امین خود بدانند، به آنان اهمیت دهند و به همان میزان که قانون اساسی جایگاه احزاب را رفیع دیده است آنان هم در همین چارچوب به احزاب نگاه کنند. دوم احزاب شریفانی باید حذف شوند؛ اینکه تنها اسمی از حزبی باشد، اما در طول زمان شاهد فعالیتی از آن نباشیم به درد جامعه و دموکراسی نمی‌خورد. حزبی که زمان انتخابات علم و کتل بلند کند، اما بعد از انتخابات فعالیتی نداشته باشد دیگر حزب نیست. گرچه کمیت مهم است؛ زمانی احزاب کارایی و تاثیر بیشتری خواهند داشت و در فضای سیاسی موثر خواهند بود که این تعدد آنها همراه با کیفیت باشد. نکته مهم دیگری که باید به آن توجه شود و مدنظر قرار گیرد توجه به آزادی بیان است؛ حاکمیت باید حق آزادی بیان را برای احزاب تا آنجا که منافع ملی و مصالح کشور در خطر قرار نگیرد، محفوظ بدارند. بر این اساس، کرسی‌های بیان آزاد برای احزاب باید مغنم شمرده شود، چراکه تریبون احزاب یک تریبون مفید به حال حاکمان کشور و تقویت‌کننده است. همچنین صداسیمما باید شبکه اختصاصی برای احزاب را در نظر بگیرد تا آنان بتوانند با مردم صحبت کنند، از آنان نظرخواهی کنند و همواره از پشتیبانی مردمی برخوردار شوند تا از این طریق فرهنگ کار حزبی در جامعه نهاده‌نی شود.

تأمین منابع مالی احزاب برای فعالیت‌هایشان نیز یکی از مواردی است که باید فکری به حال آن شود. منابع مالی احزاب و گروه‌های سیاسی باید به صورتی تأمین شود که علاوه‌بر اینکه استقلال آنان مخدوش نشود، احزاب برای تأمین هزینه‌های خود به سمت اسپانسرها نروند؛ چون قطعاً اسپانسرها انتظار دارند احزاب مطابق نظر آنان عمل کنند و این یعنی مخدوش شدن استقلال احزاب.

اما یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین موضوع‌هایی که باید هرچه سریع‌تر درباره آن تصمیم‌گیری شود شفاف شدن تعریف جرم سیاسی است؛ این ابهام یکی از عواملی کم و دور شدن جامعه از کار حزبی و فعالیت‌های سیاسی است. باید جرم سیاسی در قانون تعریف شود تا احزاب، گروه‌های سیاسی و همچنین حاکمیت به‌طور شفاف بدانند چطور باید عمل کنند.

حمایت از طراحی مکانیسم رای دادن به حزب در انتخابات

با وجود اینکه وزارت کشور پیش‌نویس لایحه احزاب را برای بررسی و تصویب به دولت ارائه داده است، سخنگوی این وزارتخانه با یادآوری دستورکار این روزهای مجمع تشخیص مصلحت نظام که تدوین سیاست‌های کلی انتخابات است، می‌گوید برنامه‌های این وزارتخانه برای احزاب در چارچوب سیاست‌های تصویبی مجمع بازطراحی خواهد شد. حسینعلی امیری همچنین با بیان اینکه اکنون در مجمع تشخیص مصلحت پیشنهادهایی درباره توجه به جایگاه احزاب و حتی طراحی مکانیسمی برای رای دادن به حزب در انتخابات مجلس مطرح شده است، تاکید کرد: «وزارت کشور طرفدار پیشنهادهای مجمع درباره توجه به جایگاه احزاب است.»

اقتضائات پالیتیکال مارکتینگ

برای حضور احزاب در حوزه سیاست عملی و تاثیرگذاری بر جامعه مقدماتی و لوازمی نیاز است؛ شاید مهم‌ترین نیازی که به تسهیل حرکت احزاب در جامعه یاری می‌رساند وجود فرهنگ حزبی و نیز نوعی از مقبولیت اجتماعی ضروری برای کاستن از هزینه‌های فعالیت است. در جامعه ایرانی که به دلایلی کار تیمی از جایگاه لازم برخوردار نیست طبعاً کار حزبی هم از عمق و گستره لازم برخوردار نیست؛ در نتیجه برای تغییر این وضع، فرهنگ‌سازی ضرورتی است که نمی‌توان آن را نادیده انگاشت. در کنار فرهنگ‌سازی دو اقدام دیگر هم اهمیت دارد: نخست پسترسازی حقوقی برای ایجاد ارزش افزوده برای کار حزبی و دیگری زمینه‌سازی برای تأمین قانونی و قابل دفاع منابع مالی کار حزبی.

درباره نقشی که احزاب در شکل‌گیری رقابت سالم میان نامزدها می‌توانند ایفا کنند، نیز باید یادآوری کرد طبعاً اگر حزب براساس تعریف واقعی‌اش عمل کند، قادر است پشوانه مالی، فکری و طرح و برنامه قدرتمندی را برای نامزدش فراهم کند. در این فرض در واقع نامزد نماینده حزبی است که خود را در سطح عالی حکومتداری می‌بیند و چون حزب حرف و برنامه‌ای برای عرضه دارد طبیعی است که رقابت فکری افراد در زمینه طرح و برنامه‌ها شکل می‌گیرد، نه شعارهایی که هیچ پشتوانه فکری یا پژوهشی آن را حمایت نمی‌کند.

همچنین درباره اهمیت حق دفاع احزاب از حقوق نامزدهای حزبی و طرفداران که در سیاست‌های کلی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مدنظر قرار گرفته است، می‌توان گفت حزب در کارکرد جمع‌آوری نیروی اجتماعی هوادار عملاً در حوزه بازاریابی سیاسی عمل می‌کند و اقتضائات پالیتیکال مارکتینگ با بازاریابی سیاسی باعث می‌شود که به جای شعارهای یکبار مصرف، حزب به اعتبار درازمدت خود و نامزدش بیندیشد.

از سوی دیگر هر نامزدی که پیروز صحنه انتخابات، به‌ویژه انتخابات مجلس می‌شود از آن رو که حوزه اختیارات و وظایف مجلس تمام فعالیت‌های کشور را در برمی‌گیرد و از سوی دیگر ظرفیت‌های هر فردی محدود است، محتاج حمایت گسترده تخصصی در امور مختلف است که طبعاً فقط یک حزب توانمند با کمیته‌ها و کارگاه‌های تخصصی می‌تواند آن را پشتیبانی کند.

اصلاحطلب

رای به حزب، به جای رای به شخص

از جمله سیاست‌های کلی انتخابات و بندهای جدیدی که اخیراً در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده است پذیرش نقش آفرینی احزاب در انتخابات، همچنین حق دفاع تشکل‌های سیاسی از حقوق داوطلبان، اعضا و طرفداران در مراجع قانونی است که برای آینده سیاسی کشور بسیار بااهمیت به نظر می‌رسد. اکنون دیده می‌شود برخی افراد که وارد مجلس می‌شوند دید و نگاه ملی ندارند و به مسائل توسعه‌ای از زاویه حوزه انتخابیه خود نگاه می‌کنند اما اگر بخواهیم مجلس در راس امور باشد، کسانی که به‌عنوان نماینده مردم در مجلس قانون‌گذاری کنند باید از دانش و تجربه و همچنین کلان‌نگری کافی برخوردار باشند. این ویژگی‌ها را می‌توان در نامزدهای حزبی بیشتر از نامزدهای منفرد با اصطلاحاً مستقل سراغ گرفت؛ چون احزاب به این دلیل دنبال کسب قدرت هستند که برای موضوعات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، در گستره ملی برنامه دارند و در نتیجه فردی را برای نامزدی مجلس معرفی می‌کنند که از اجرایی کردن این برنامه‌ها بریابد. وقتی حزب فردی را به‌عنوان نامزد پیروزی نامزدش، پاسخگوی عملکرد آنها باشد. در نظام انتخاباتی مبتنی‌بر تحزب، از آنجا که فرض بر این است که شهروندان صرفاً به شخص رای نمی‌دهند، بلکه به نماینده یک حزب و تشکل رای می‌دهند، پاسخگویی احزاب نیز افزایش پیدا می‌کند، چراکه گردانندگان احزاب می‌دانند قرار نیست برای یک بار نامزد معرفی کنند، بلکه آنان هر چند سال یک بار نیازمند اعتماد مردم هستند. البته رابطه میان حزب و نامزد، رابطه‌ای یک‌سویه نیست، یعنی در ازای الزاماتی که نامزد حزبی باید رعایت کند او از پشتیبانی حزب متبوع خود برخوردار می‌شود که این حمایت از زمان نامزدی و در جریان رقابت‌های انتخاباتی آغاز خواهد شد و تا دوره نمایندگی ادامه پیدا خواهد کرد. از سوی دیگر باید توجه داشت در مجلس موضوعات مختلف مطرح می‌شود، از جمله بودجه کشور و برنامه‌های توسعه بررسی و تصویب می‌شود که بر همه شئون کشور تاثیر گذار است؛ حال اگر نامزدهای رایافته به پارلمان برخوردار از پشتوانه حزبی باشند، کارگروه‌های تخصصی احزاب دیدگاه‌های خود را درباره هر موضوع جاری در اختیار نامزدهای‌شان قرار می‌دهند و در این صورت مجلس به‌طور غیرمستقیم از پشتوانه کارشناسی احزاب برخوردار می‌شود. چنین مجلسی به جای اینکه وقتش را صرف موضوعات پیش‌پا افتاده کند این مجال را خواهد داشت که در تصمیم‌گیری‌هایش توان جامعه را به خدمت بگیرد و کشور را رو به جلو هدایت کند.

مجلسی قدرتمند، قابل دفاع، توانمند و پاسخگو خواهد بود؛ چراکه در صورت افزایش نقش آفرینی احزاب در انتخابات و راهیابی نامزدهای حزبی به مجلس، آنان از پشتیبانی تشکیلاتی، اطلاع‌رسانی و آموزشی احزاب متبوع خود برخوردار خواهند بود و در مقابل آن در برابر احزاب پاسخگو هم می‌شوند و می‌دانند که در صورت تکروی حمایت حزبی خود را از دست می‌دهند، خود کار می‌کنند و آموزش می‌دهند.

مجلسی قدرتمند، قابل دفاع، توانمند و پاسخگو خواهد بود؛ چراکه در صورت افزایش نقش آفرینی احزاب در انتخابات و راهیابی نامزدهای حزبی به مجلس، آنان از پشتیبانی تشکیلاتی، اطلاع‌رسانی و آموزشی احزاب متبوع خود برخوردار خواهند بود و در مقابل آن در برابر احزاب پاسخگو هم می‌شوند و می‌دانند که در صورت تکروی حمایت حزبی خود را از دست می‌دهند، خود کار می‌کنند و آموزش می‌دهند.

اصولگرا

تضمین حضور جریان‌های قانونمند

یکی از بندهای جدید سیاست‌های کلی انتخابات که در مجمع تشخیص به تصویب رسیده است پذیرش حق دفاع احزاب از حقوق داوطلبان، اعضا و طرفداران در مراجع قانونی است. این موضوع از این جهت اهمیت دارد که باید میان فردی که به صورت انفرادی نامزد انتخابات می‌شود و تعهد به رعایت الزاماتی خارج از الزامات قانونی ندارد و نامزدی که به صورت حزبی پا به عرصه گذاشته و پذیرفته است که در چارچوب یک برنامه و در همکاری با دیگر نامزدهای حزب عمل کند، تفاوت وجود داشته باشد.

در واقع، در ازای پذیرش محدودیت کار حزبی، نامزدهای احزاب این امتیاز را پیدا خواهند کرد که از پشتیبانی تشکل متبوع خود برخوردار شوند و چه در رقابت‌های انتخاباتی و چه پس از پیروزی در انتخابات چنین حمایت‌هایی به نفع شخص است. مورد دیگر که در سیاست‌های کلی مورد توجه قرار گرفته است، تاکید بر تسهیل و ارتقای سطح مشارکت احزاب و تشکل‌های قانونی است تا همه جریان‌های قانونمند بتوانند در عرصه انتخابات حضور داشته باشند و کسی نتواند برای حضور این افراد در انتخابات مانع‌تراشی کند.



امیر مدیان

دبیرکل حزب نوآندشان



محمدتقی فاضل‌میبدی

عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم



حسین کاشفی

رئیس دوره پیشین خانه احزاب